

ترکیه ترجمه ای که کند و در شمار این شعر اندرز بوشوا کند که در کمال و انهد
بیت ای سقز من ندان ما رضا مارک اولاد **بیت** بل نظر فایده سارا رک اولاد
علی جلی و اسب علی سنی میکانه و وف و موالی عظام و انانی که این است اولاد و غنی
 معلوم و مکتوب شد **بیت** ز نور و اسب جلی دن ملازم اولوب بجه بر اسب برده
 افاده عالی به مد او اولاد فایده او از نه ده سلطان ما بنده مداری کن
 بر سر ساریه قاضی و حال اولوب اول حاله کین فکر آخرته عازم اولمشن
 و کان دنگ سینه چنبره و شفا نه ده آثار بلاغت اظهار این خلق انجمنه اعتبار
 بر لادن ساریون نامه سیدر حصا که اول نامه ساریون و کتاب بلاغت مقبول
 بر افش در کاستان زمان موهو خواجه حصان الی الا ان کتب وجود امکانه نظر
 و منال تالیف و مفسر شدن عالم مصنفان می آدم مدینه وجود وجود و عبادت
 قرین و جانک انصاف بجه شکر کن کتاب کا خانقا اعیان السراوه و نظم
 کسالت از لال السواکر و رسا و بلاغ و کتاب اول کتاب سینه طایک سطور
 مشکین نقاشی که در کده بر خجای **خبر کلمه و اناب سب فرادوب** سینه سارا ان جهان
 دل و جانک سب سر زین ایدوب بر بقصدای **سمعی سداقی آتاش ااتون**
 مدح و اطرا سینه خیا علیا تمیلد **بیت** ز می دقایق لفظ حق مجرم
 و یک کشته چو نور سینه در جهان سوز سهای مدح و نشانی اول موازه بر باز
 ایلی که سینه اقلام و دانه و دام خطوط ارقام ایلی شکار اول و خورشید
 بر انوار می اول مرتبه دن عالی در کج و تعلق اطرا و توصیف کا بهیشتها
 در آن کتاب نظر کن چشم خین **بیت** که رشک صورت موعنی لوبت جلوت
 کتاب نیست خلط مکتوبه که در ایست **بیت** ز دست عقل اطراف کج صحنه آ
 کتاب نه زنده اولاد اسفار ندان غیری نظم کنه و اول و در کج استراحت
 خجوه نال از اب طباعه داخل اولمش **بیت** که رسیده سنی عم در دنای کبری
 غیر که کور سینی بخت ملاک الی **بیت** علی ساریون که اولاد اول و لدر زاده جلد تیز
 م جو کفر ز نیر خلقی در نه خیا **بیت** موالی عظام خد مشده کست علوه ده
 و اهتمام ایدوب بین الاقران ممالک اسماش را الیه بالبان اولمشدی

جلال را ده صالح جلی به صحنه عهد اولوب عدو جوی را ده به دانستند
 اولوب سبب سنی دن عمل و شکره محی الدن جلی دانستند اولوب
 منصب قیمتی از دن ملازم اولمشن **بیت** ز نور و اسب جلی دن ملازم اولوب بجه بر اسب برده
 عالی به مد او اولاد فایده او از نه ده سلطان ما بنده مداری کن
 بر سر ساریه قاضی و حال اولوب اول حاله کین فکر آخرته عازم اولمشن
 و کان دنگ سینه چنبره و شفا نه ده آثار بلاغت اظهار این خلق انجمنه اعتبار
 بر لادن ساریون نامه سیدر حصا که اول نامه ساریون و کتاب بلاغت مقبول
 بر افش در کاستان زمان موهو خواجه حصان الی الا ان کتب وجود امکانه نظر
 و منال تالیف و مفسر شدن عالم مصنفان می آدم مدینه وجود وجود و عبادت
 قرین و جانک انصاف بجه شکر کن کتاب کا خانقا اعیان السراوه و نظم
 کسالت از لال السواکر و رسا و بلاغ و کتاب اول کتاب سینه طایک سطور
 مشکین نقاشی که در کده بر خجای **خبر کلمه و اناب سب فرادوب** سینه سارا ان جهان
 دل و جانک سب سر زین ایدوب بر بقصدای **سمعی سداقی آتاش ااتون**
 مدح و اطرا سینه خیا علیا تمیلد **بیت** ز می دقایق لفظ حق مجرم
 و یک کشته چو نور سینه در جهان سوز سهای مدح و نشانی اول موازه بر باز
 ایلی که سینه اقلام و دانه و دام خطوط ارقام ایلی شکار اول و خورشید
 بر انوار می اول مرتبه دن عالی در کج و تعلق اطرا و توصیف کا بهیشتها
 در آن کتاب نظر کن چشم خین **بیت** که رشک صورت موعنی لوبت جلوت
 کتاب نیست خلط مکتوبه که در ایست **بیت** ز دست عقل اطراف کج صحنه آ
 کتاب نه زنده اولاد اسفار ندان غیری نظم کنه و اول و در کج استراحت
 خجوه نال از اب طباعه داخل اولمش **بیت** که رسیده سنی عم در دنای کبری
 غیر که کور سینی بخت ملاک الی **بیت** علی ساریون که اولاد اول و لدر زاده جلد تیز
 م جو کفر ز نیر خلقی در نه خیا **بیت** موالی عظام خد مشده کست علوه ده
 و اهتمام ایدوب بین الاقران ممالک اسماش را الیه بالبان اولمشدی

برین
 سینه